

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هنر

کلیه رشته ها

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

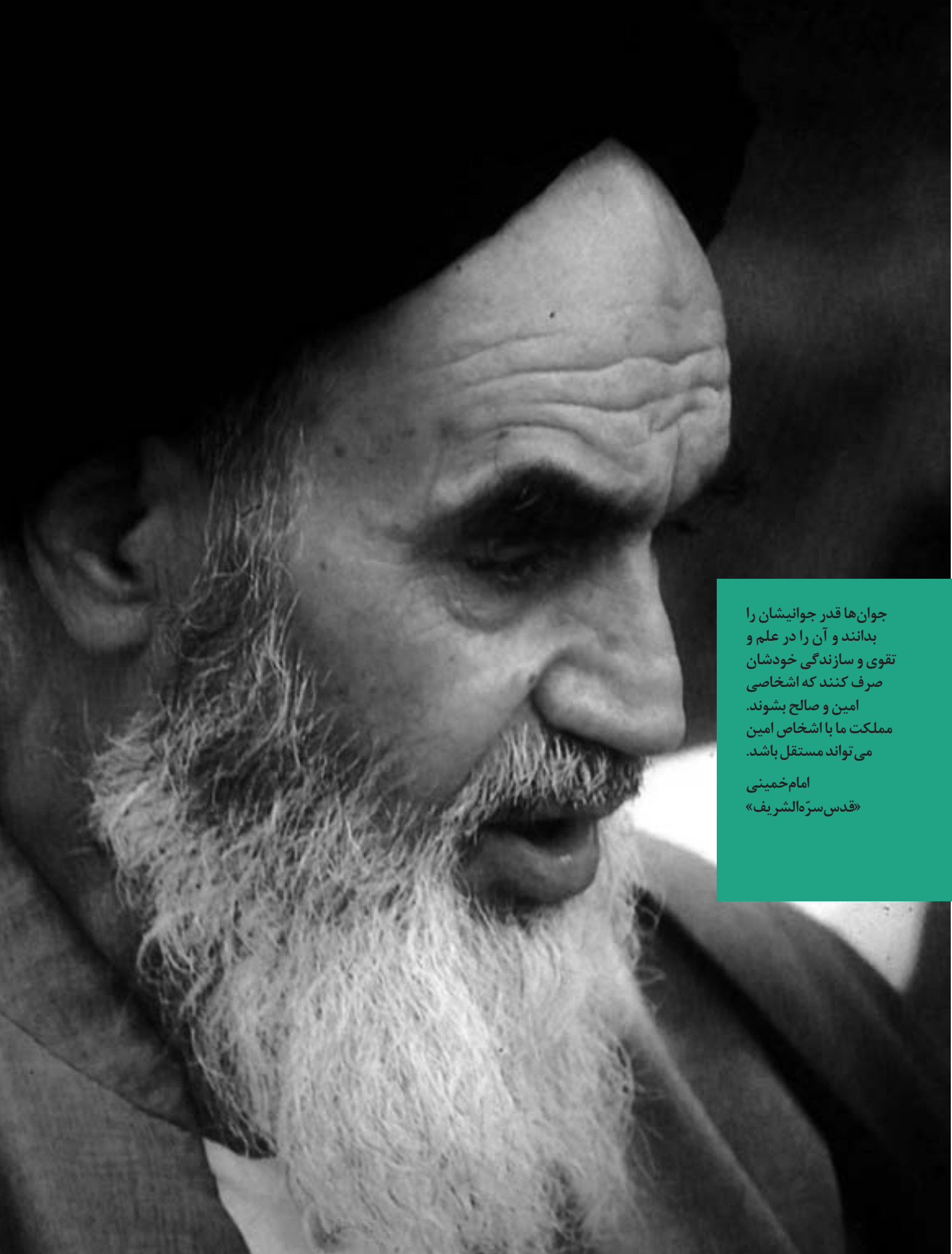
۱۳۹۵



## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: هنر - پایهٔ دهم دورهٔ دوم متوسطه - ۱۱۰۲۲۲
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: مینو آیت‌اللهی، پیروز ارجمند، سید غلامرضا اسلامی، خدامراد محمدی، رحمت‌امینی، مرضیه پناهیان پور، عبدالناصر خیاط، مینو رحیمی، فریبا شاپوریان، سید عبدالمجید شریف زاده، محمد شهبازی و حمید محمد ظاهری (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: محمدرضا آزاده‌فر، محمد شهباز، مینو آیت‌اللهی و صادق رشیدی (اعضای گروه تألیف) - سارا کلهر (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: لیدانیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری و طراح جلد) - محمد سعید غفوری (طراح گرافیک) - نگار گنجی (صفحه‌آرا) - مرضیه اخلاقی، فاطمه پزشکی، علی نجمی، علیرضا ملکان، ناهید خیام‌باشی و راحله زادفتح اله (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹  
وبگاه: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir) و [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir)
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپ اول: ۱۳۹۵
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۵۹۱-۳  
ISBN: 978-964-05-2591-3



جوان‌ها قدر جوانیشان را  
بدانند و آن را در علم و  
تقوی و سازندگی خودشان  
صرف کنند که اشخاصی  
امین و صالح بشوند.  
مملکت ما با اشخاص امین  
می‌تواند مستقل باشد.  
امام خمینی  
«قدس سرّه الشریف»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



پودمان ۱: مطالعه مفهوم زیبایی و هنر ..... ۹

- نگاه کردن، گوش دادن و رفتار ..... ۱۱
- زیبایی و زیبایی‌شناسی ..... ۲۰
- مفاهیم بنیادی هنر ..... ۲۵
- عناصر هنری ..... ۲۸
- سبک و مکتب ..... ۳۲

پودمان ۲: خلاقیت هنری ..... ۳۵

- سرچشمه‌های خلاقیت و آفرینش هنری ..... ۳۷

پودمان ۳: تحلیل آثار هنری ..... ۴۹

- فضا ..... ۵۲
- صدا ..... ۹۹
- حرکت ..... ۱۱۱

پودمان ۴: هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی ..... ۱۲۳

- خصایص فرهنگ ایرانی — اسلامی ..... ۱۲۵
- صیانت از میراث فرهنگی ملموس ..... ۱۳۵
- بازآفرینی و زنده نگهداشتن میراث فرهنگی غیرملموس ..... ۱۳۶
- توسعه و بهسازی محیطی با آثار هنری ..... ۱۳۷
- عوامل آسیب‌زای میراث فرهنگی ..... ۱۴۰

منابع ..... ۱۴۳





در سال‌های گذشته سعی کردیم به شما کمک کنیم تا زیبایی‌های محیط پیرامونتان را بهتر ببینید و با توجه به استعدادها، توانایی‌ها و علایق خود در رشته‌های مختلف هنری، به خلق زیبایی‌ها بپردازید. اگر سواد را بیان معنا و انتقال آن به دیگران بدانیم، حجم عظیمی از این انتقال معنا نه تنها از طریق خواندن، نوشتن و حساب، کردن که از طریق تجربه زیبایی‌شناسی صورت می‌گیرد و تنها این تجربه است که به زندگی معنا و مفهوم می‌دهد. کسی که اوج زیبایی‌های طبیعت و عظمت خلقت پروردگار را درک کرده باشد، زیبایی خیره‌کننده کاشی‌کاری‌های اصفهان را قدر بگذارد، خط شکسته و نستعلیق را بشناسد، مولوی، خیام و حافظ را زیر لب زمزمه کند و در برابر آواهای دل‌انگیز سکوت اختیار کرده، گوش فرا دهد، این فرد به درستی زندگی خواهد کرد.

این کتاب حاصل تلاشی دیگر است برای گسترش و تعمیق تجربه زیبایی‌شناسی شما. این تجربه حاصل نمی‌شود مگر از طریق درک و شناخت زیبایی‌ها در موقعیت‌های مختلف، تجزیه و تحلیل، ارزش‌گذاری و خلق آنها. کتاب پیش رو، از چهار پودمان تشکیل شده است. در نخستین پودمان، شما با مفاهیم اساسی و بنیادین زیبایی‌شناسی و هنر آشنا خواهید شد. در پودمان دوم، با عوامل مؤثر در بارور شدن خلاقیت هنری، آشنا شده و مهارت‌های لازم برای خلق یک اثر هنری را کسب خواهید کرد. پودمان سوم به تجزیه و تحلیل آثار هنری و شناخت معیارهای زیبایی‌شناسی براساس سه مؤلفه فضا، صدا





و حرکت اختصاص دارد که شالوده اصلی شاخه‌های مختلف هنری را شکل می‌دهد. و بالاخره در پودمان چهارم شما با مهم‌ترین خصوصیات هویت بخش هنر ایرانی - اسلامی و راه‌های حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و هنری آشنا خواهید شد.

تجربه زیبایی‌شناسی به شما کمک خواهد کرد تا نه تنها زیبایی‌های محیط پیرامون خود را بهتر ببینید بلکه، جهان را زیبا ببینید که تجلی اوست. و آمده‌ایم که عاشق شویم و درگذریم که راز زندگی و مرگ آدمی این است:

ور باد نبودی که سر زلف ربودی      رخساره معشوق به عاشق که نمودی







پودمان ۱

مطالعه مفهوم  
زیبایی و هنر

این فصل به ارائه تعاریف کلی در مورد زیبایی و هنر می‌پردازد. با مطالعه این فصل ما با دیدگاه‌های مختلف در زمینه زیبایی و هنر آشنا می‌شویم. علاوه بر آن، با این موضوع آشنا می‌شویم که ساختار همه هنرها به گونه‌ای بنا شده که بر عواطف، احساسات و قدرت تعقل انسان اثر می‌گذارد و فطرت زیبادوستی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دستیابی به ریشه این اشتراکات ما را در زمینه شناخت عمیق ماهیت و کارکرد هنر یاری می‌رساند. در خلال این آشنایی، تلاش می‌شود حساسیت ما در زمینه نگاه کردن و شنیدن مظاهر زیبای هنر در محیط زندگی ارتقا یابد.

### در پایان این پودمان از شما انتظار می‌رود

- پدیده‌های پیرامون خود را با تیزبینی ادراک و زیبایی‌های آنها را بهتر دریافت کنید.
- با شناخت مفهوم زیبایی، هنر و اصول آن درک خود را از زیبایی‌ها بازنمایی کنید.



## نگاه کردن، گوش دادن و رفتار

اشیاء و پدیده‌ها ذاتاً زیبا هستند، زیرا مخلوق خدا هستند و کار هنرمند جز این نیست که این زیبایی را نمایان کند. برای درک بهتر زیبایی، نخست باید به تفاوت میان دیدن و نگاه کردن؛ شنیدن و گوش دادن و حرکت و رفتار پی ببریم. زیرا هرچند این اصطلاحات و واژگان در نگاه نخست هم‌معنی به نظر می‌رسند، در زمینه آفرینش و ادراک هنر، معانی متفاوتی دارند.



### دیدن و نگاه کردن



#### فعالیت ۱

پدیده‌هایی که در مسیر خانه تا مدرسه برای مدت طولانی وجود داشته، اما طی روزهای گذشته برای اولین بار توجه شما را جلب کرده است بیان کنید. به نظر شما چه عاملی باعث شده است توجه شما به آنها جلب شود؟

چشم انسان یکی از ابزارهای مهم برای شناخت محیط است؛ زیرا انسان با چشم می‌تواند اطراف خود را ببیند و بشناسد. عمل نگاه کردن به‌طور ارادی و معمولاً به‌قصد خاصی انجام می‌گیرد برخلاف دیدن، که غیراختیاری است، در نگاه کردن، توجه و دقت نیز دخالت دارد. به همین دلیل است که می‌گویند نگاه کردن یعنی اراده بیننده برای دیدن چیزی و توجه به جنبه‌های مختلف آن.

وقتی چیزی را «می‌بینیم» رنگ، شکل، جهت، بافت، بُعد و حرکت آن را از طریق پیام‌های بصری دریافت می‌کنیم. اما وقتی چیزی را «نگاه» می‌کنیم، علاوه بر اینکه آن را می‌بینیم به روابط و تناسبات آن نیز دقت می‌کنیم. بنابراین، دیدن یک امر کاملاً طبیعی است. در زندگی روزمره چیزهای فراوانی را می‌بینیم، اما وقتی اندازه، تناسب، فراوانی و کاربرد اشیاء موردتوجه قرار می‌گیرد «نگاه کردن» رخ می‌دهد. می‌توان نتیجه گرفت نگاه کردن والاتر و دقیق‌تر و عمیق‌تر از دیدن است.

تفاوت میان دیدن و نگاه کردن به‌ویژه در هنرهای دیداری (بصری) اهمیت دارد. مثلاً هنرمند عکاس همان چیزهایی را می‌بیند که ما می‌بینیم. اما عکاس، به دلیل تبحر و تجربه‌ای که در نگاه کردن پیدا کرده است، به تناسب‌های میان اشیاء دقت می‌کند و بهترین زاویه را برای عکس‌برداری برمی‌گزیند.





اگر به عکس‌های خانوادگی و عکس‌های یک عکاس خبره دقت کنید، تفاوت میان دیدن و نگاه کردن را خوب متوجه می‌شوید. مثلاً نگاه کنید به تصویر شمع حاصل شده در فضای خالی بین رواق‌های پل خواجه در شکل مقابل که نگاه تیزبینانه عکاس آن را شکار کرده است.

شکل (۱-۱)

▶ شمع حاصل شده در زیر یکی از رواق‌های پل خواجه در اصفهان  
نگاه تیزبین عکاس قادر به کشف چیزهایی در پیرامون خود است که انسان‌های عادی به آن توجهی ندارند.



یکی از عوامل مؤثر در نگاه کردن و توجه، ویژگی‌های شخصیتی است. به همین دلیل، اگر دو عکاس از یک چشم‌انداز عکس بگیرند به احتمال زیاد عکس‌های آنها باهم تفاوت خواهد داشت. زیرا هیچ دو نفری را نمی‌توان یافت که ویژگی‌های شخصیتی کاملاً یکسان داشته باشند. بنابراین، می‌توان گفت توجه ناشی از ویژگی‌های شخصیتی، برداشت‌های متفاوتی را در بینندگان یک چشم‌انداز ایجاد می‌کند. براین اساس، نگاه کردن هنرمند با نگاه کردن افراد معمولی متفاوت است. این تفاوت را از هر دو جنبه کمی و کیفی می‌توان بررسی کرد. از نظر کمی، ادراک هنرمند از ادراک افراد عادی بالاتر و عمیق‌تر است؛ زیرا هنرمند هم قواعد علمی تصویر را می‌شناسد هم از روابط بصری و تناسب‌ها و روابط میان اشیاء آگاهی دارد. از نظر کیفی، هنرمند ابتدا اشیاء را می‌بیند و سپس با توجه و نگاه کردن و بر پایه گرایش‌های مثبت یا منفی خودش، به آن اشیاء و روابط میان آنها جنبه زیبایی‌شناختی می‌دهد. به همین دلیل است که می‌گوییم بیشتر افراد فقط «می‌بینند» ولی هنرمندان «نگاه می‌کنند».

## فعالیت انتخابی

در میان آثار دو هنرمند عکاس (یا نقاش)، که با یک موضوع مشترک (مثلاً طبیعت) دست به خلق آثاری زده‌اند، جست‌وجو کنید. تفاوت‌های موجود در نگاه این دو هنرمند را برشمارید.







## نگاه کردن فعالانه به طبیعت

از روزگاران کهن، این باور وجود داشته است که طبیعت بهترین آموزگار و بهترین سرمشق برای هنرمندان بوده است. شکل‌های مختلفی که در طبیعت دیده می‌شوند همواره بسیاری از پیکره‌سازان، نقاشان، نویسندگان، معماران و هنرمندان سایر رشته‌های هنری را تحت تأثیر قرار داده است. می‌توان گفت طبیعت منبعی بسیار غنی برای آفریدن آثار هنری است.

آفرینش فرم‌های هنری از طبیعت به ادراکات هنرمند مرتبط است. طبیعت در قدم اول از نظر زیبایی‌شناسی و هنری مورد توجه همگان نیست، اما این هنرمند است که با نگاه دقیق و ویژه خود از آن به‌منزله موضوع و الگوی اثرش بهره‌های فراوانی می‌گیرد. قدرت خیال هنرمند با مهارت او آمیخته می‌شود و مظاهر و مناظر طبیعت، با چیدمان و آرایش اجزا و عناصر مختلف فنی، به‌مثابه یک اثر هنری آفریده می‌شود.



شکل ۱-۲) غار خشکی - آبی کتله‌خور در استان زنجان که بیش از ۱۲۰ میلیون سال از شکل‌گرفتن آن می‌گذرد (عکس: علی مجدفر).



برای هر ملتی و در هر فرهنگی، شیوه برخورد با طبیعت و مظاهر طبیعی و نشان دادن آن در قالب آثار هنری به صورت‌های متفاوتی تجلی یافته است، چرا که تنوع آب‌وهوایی، گیاهی، جانوری و حتی انسانی و همچنین تفاوت اندیشه و افکار ملل مختلف باعث شده است موضوع طبیعت در آثار هنری ملل و اقوام گوناگون به یک شکل نباشد.



▲ شکل ۳-۱) شترهای کویر مرکزی ایران



▲ شکل ۴-۱) لاک‌پشت دریایی خلیج فارس



طبیعت بخشی از فضای بی‌نهایت است. فضا، ذهن بدون مرز هنرمند است که برای آن توصیف و توضیح ویژه و مشخصی وجود ندارد. اصطلاح فضای بی‌نهایت نیز در فرهنگ‌های مختلف و نزد هنرمندان سرزمین‌های گوناگون معنایی متفاوت دارد. این اختلاف معنا در سرزمین‌های هم‌جوار به دلیل تداخل فرهنگی و نزدیکی نوع نگاهشان کمتر است. برای مثال، هنرمندان قدیم ایرانی، همواره می‌کوشیدند زیبایی‌های طبیعت را با خلاقیت‌ها و تکنیک‌های خاص خودشان به مفهوم زیبایی مورد نظرشان نزدیک کنند و از آنجا که زیبایی یکی از صفات خداوند است این نگرش بیش از هر چیزی باعث شده است طبیعت و زیبایی‌های آن موضوعات بسیاری از آثار هنری ایرانیان را شکل دهد.



## فعالیت ۲

تصویر زیر مربوط به «کویر مصر» یا «مزرعه یوسف» در ۴۵ کیلومتری شرق شهرستان جندق و ۳۰ کیلومتری شمال شهرستان خور از توابع استان اصفهان است. زیبایی‌های طبیعت می‌تواند با عناصر بسیار متکثر و پیچیده یا با عناصر بسیار ساده به وجود آمده باشند. سعی کنید احساسی را که تصویر زیر در شما برمی‌انگیزد توصیف کنید و در مورد آن با هم‌گروهی‌های خود گفت‌وگو کنید.



شکل ۵-۱) «کویر مصر»  
یا «مزرعه یوسف» در  
۴۵ کیلومتری شرق  
شهرستان جندق و  
۳۰ کیلومتری شمال  
شهرستان خور از توابع  
استان اصفهان



### فصل ۳

حکایتی را انتخاب کنید، یکی از دانش‌آموز آن را با صدای بلند بخواند. عواملی مانند تُن صدا و شیوه ادای متن را توصیف کنید که بر اثر دقت در گوش دادن برای اولین بار توجه شما را جلب کرده است.

شاید شما هم این جمله را شنیده باشید که «شنیدن با گوش دادن فرق می‌کند». شنیدن نیز مانند دیدن عملی غیرارادی است. امواج صوتی از طریق حنجره گوینده تولید می‌شود، در هوا انتشار می‌یابد و به گوش شنونده می‌رسد. مانند نگاه کردن که دیدن فعالانه و با توجه است، گوش دادن نیز شنیدن فعالانه و با توجه است. به عبارت دیگر، شنیدن فرایندی مکانیکی و گوش دادن فرایندی تفکری است.

فرض کنید در خیابانی شلوغ راه می‌روید. صداهای گوناگونی مانند سروصدای خودروها و گفت‌وگوی افراد و صدای اذان از مسجد هم‌زمان به گوش شما می‌رسد. با این حال، شاید تمرکز شما فقط بر صدای اذان قرار بگیرد و حتی به محتوای سخنان دو نفر که کنار تان راه می‌روند گوش ندهید. در مرحله گوش دادن نیز صداها به گوش شما می‌رسد و مغز شما آنها را پردازش می‌کند، ولی شما به همه آنها توجه آگاهانه ندارید. در عوض، فقط به برخی از این اصوات گوش می‌دهید؛ یعنی آنها را تفسیر می‌کنید، ارزش آنها را می‌سنجید، و منظور آنها را درمی‌یابید.

همان‌طور که یکی از عوامل مؤثر در نگاه کردن، ویژگی‌های شخصیتی افراد است، گوش دادن نیز به منش و شخصیت افراد بستگی دارد. برخی از افراد ذاتاً به سخنان دیگران توجه می‌کنند و برخی از کنار سخنان دیگران بی‌اعتنا می‌گذرند. به جز این جنبه ذاتی، گوش دادن جنبه‌های اکتسابی هم دارد و با تمرین می‌توان آنها را فراگرفت. برخی از این تمرین‌ها عبارت است از: تمرکز بر سخنان دیگران؛ توجه به «زبان بدن» گوینده؛ پرسش از گوینده؛ و استفاده از زبان بدن خودمان. این کنش‌ها همچنین باعث می‌شود که گوینده مطمئن شود ما به‌طور





▲ شکل ۶-۱) آبشار شوی یا تله‌زنگ در جنوب شهرستان درود در استان لرستان ضمن داشتن منظره‌ای شگفت‌انگیز نوایی دلنشین نیز دارد.

ارادی در حال گوش دادن به سخنان او هستیم. تفاوت میان شنیدن و گوش دادن در زمینه هنر نمود بارزتری دارد. هنرهای صوتی به شنیدن و گوش دادن وابسته‌اند. در شنیدن هنرهای صوتی، فرد به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه اغلب به ضرباهنگ یا محتوای کلامی آن دقت می‌کند. در گوش دادن فعالانه علاوه بر توجه به ضرباهنگ، به موارد دیگری همچون هارمونی، لحن و درون‌مایه نیز توجه می‌شود. گونه‌های هنرهای صوتی نیز در میزان دقت گوش دادن ما نقش دارد. افراد معمولاً هنرهای عامه‌پسند را به دقت هنرهای کلاسیک گوش نمی‌دهند. شاید مهم‌ترین دلیل آن سادگی آثار عامه‌پسند به نسبت آثار کلاسیک باشد.

شیوه گوش دادن ما به نسبت محیطی که در آن قرار می‌گیریم نیز تغییر می‌کند. ما شاید دقت چندانی به صداهایی که هرروز در فاصله مدرسه تا خانه می‌شنویم نداشته باشیم، اما زمانی که به دل طبیعت می‌رویم و پس از ساعت‌ها کوه‌نوردی به آبشاری می‌رسیم، نوای آن آبشار در دل سکوت طبیعت برایمان بسیار جالب توجه می‌شود.

## فعالیت انتخابی

با مطالعه دو فعالیت زیر، یکی را انتخاب کنید و آن را انجام دهید:

۱. سعی کنید به صداهایی که از خارج از کلاس و از دوردست‌ها می‌آید تمرکز کنید و مجموعه اصواتی را توصیف کنید که تا پیش از این به آنها توجه نداشتید.
۲. اثری صوتی را انتخاب و دو بار آن را گوش کنید. مجموعه عواملی را که در گوش دادن بار دوم متوجه آن شدید، اما در شنیدن دفعه اول درک نکرده بودید توصیف کنید.





موجودات زنده، از جمله انسان، به دلایل گوناگون از جای خود حرکت می‌کنند یا اعضای بدنشان را حرکت می‌دهند. برخی از این حرکات ارادی و برخی غیرارادی است. برای مثال، بلند شدن از جای خود عملی ارادی است و فرد می‌تواند از جایش بلند نشود و ثابت بماند. از سوی دیگر، پلک زدن چشم معمولاً غیرارادی است و ما بدون اینکه تصمیم بگیریم پلک می‌زنیم. به همین ترتیب، رفتار نیز گاهی ارادی و آگاهانه و گاهی غیرارادی و ناآگاهانه است. به‌طور کلی رفتار یعنی مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های پدیده‌ها. تعریف مفصل‌تر رفتار چنین است: رفتار پاسخی است که موجودات زنده به محرک‌های بیرونی می‌دهند. به عبارت دیگر، رفتار یعنی واکنش موجود زنده در برابر کنش‌های بیرونی. از آنجا که فرایندهای ذهنی انسان بسیار گسترده و بغرنج است، رفتار انسان‌ها نیز در مقایسه با سایر موجودات زنده بسیار پیچیده‌تر است.



## فعالیت ۴

رفتارهای بدنی قادرند احساسات مختلف را بدون گفتار نمایش دهند. در گروه‌های سه‌نفره سعی کنید با بهره‌گیری از حرکات چهره و بدون حرکت دادن سایر اندام‌ها، احساس‌های چهارگانه خشم، شادی، اضطراب و ترس را نمایش دهید.

در زمینه هنر، توجه به تفاوت حرکت و رفتار اهمیت دارد. برخی از هنرها، مانند نمایش و سینما و حرکات منظم گروهی مانند رژه، بدون حرکت امکان‌پذیر نیستند. اگر تصاویر بر پرده سینما حرکت نکنند به مجموعه‌ای از تصاویر ثابت تبدیل می‌شوند که دیگر نمی‌توان آن را سینما یا فیلم نامید. به همین ترتیب، اگر بازیگران بر صحنه نمایش بی حرکت بایستند، ماجرا به پیش نخواهد رفت. سوای این جنبه ذاتی حرکت در این هنرها، رفتار شخصیت‌ها در فیلم و نمایش نیز نیازمند حرکت است. این حرکت دو جنبه کلی دارد: الف) حرکت یا جابه‌جایی در مکان ب) حرکت اندام‌ها که به آن «زبان بدن» گفته می‌شود.





زبان بدن دو جنبه کلی دارد: زبان حرکات بدن؛ و زبان ظاهر بدن. در زبان حرکات بدن، مثلاً فرد با تکان دادن سر به بالا مخالفتش را با چیزی بیان می‌کند. در زبان ظاهر بدن، نوع پوشش و آرایش مو بر ویژگی‌های شخصیتی یا حالت فرد دلالت می‌کند. رفتارها یا حرکات بدن می‌توانند برای القای حالت یا رساندن منظور خاصی به کار روند. مثلاً شیوه دست‌دادن دو نفر می‌تواند معانی مختلفی را انتقال دهد:

**دست دادن محکم:** معمولاً نشان‌دهنده برتری جویی است؛ به‌ویژه اگر روی دست به سمت بالا و کف دست رو به پایین قرار گیرد.

**دست‌دادن بسیار محکم:** شور و اشتیاق علاقه و سلطه‌گری را می‌رساند.

**دست‌دادن شل:** نشان‌دهنده پرهیز از صمیمیت، ضعف و تسلیم‌بودن است. گاهی نیز پنهان‌کاری را نشان می‌دهد.

**دست‌دادن دو دستی:** این نوع دست‌دادن، که در آن دست چپ روی دست راست طرف مقابل قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده صمیمیت زیاد است.

## فعالیت انتخابی

بخشی از یک فیلم سینمایی یا برنامه تلویزیونی در کلاس نمایش داده می‌شود. با راهنمایی معلم خود درباره موارد استفاده از زبان بدن (زبان حرکات بدن و زبان ظاهر بدن) در آن فیلم بحث و گفت‌وگو کنید.





## فعالیت ۵

در گروه‌های ۳ تا ۵ نفره سؤالات زیر را به بحث بگذارید (اگر به پاسخ یکسانی نرسیدید، تعجب نکنید. دانشمندان زیبایی‌شناسی نیز در پاسخ به این پرسش‌ها هنوز اختلاف‌نظرهای زیادی دارند):

- چه چیزی را زیبا می‌نامیم؟
- آیا زیبایی واقعاً در جهان بیرون وجود دارد یا امری است ذهنی؟
- آیا زیبایی مطلق است، یعنی یک چیز زیبا در همهٔ دوره‌ها و برای همه زیبا می‌نماید؟
- آیا زیبایی حالت نسبی دارد، یعنی چیزی که امروزه برای برخی افراد زیبا شمرده می‌شود ممکن است برای دیگران در همان دوره یا در دوره‌های بعد زیبا نباشد؟
- آیا زیبایی اصول ثابتی دارد؟
- آیا انسان قوهٔ خاصی دارد که با آن زیبایی را تشخیص می‌دهد؟



انسان زیبایی را می‌ستاید و از زشتی می‌گریزد. بنابراین، می‌توان گفت زیبایی از اموری است که در زندگی ما نقش مهمی دارد. اما پرسش اصلی این است: زیبایی چیست؟ پاسخ به پرسش «زیبایی چیست؟» در حیطهٔ فلسفه قرار می‌گیرد و پرسشی علمی نیست. زیرا زیبایی را نمی‌توان با فرمول تعریف یا آن را در آزمایشگاه اثبات کرد. با این حال، فلسفه در پی شناخت زیبایی و امر زیباست تا ویژگی‌های آن را تعیین و اصول و قواعدش را تبیین کند. این بخش از فلسفه که به زیبایی و چیستی آن می‌پردازد «زیبایی‌شناسی» نام دارد.

زیبایی‌شناسی به چیستی زیبایی و چگونگی درک و فهم مخاطب از هنر و اثر هنری می‌پردازد. این شاخه از مطالعات هنری، از روزگاران باستان، تاکنون، مورد توجه اندیشمندان و علاقه‌مندان به هنر و زیبایی بوده است. اما باید بدانیم که در ابتدا زیبایی‌شناسی به‌طور کلی امور و پدیده‌های زیبا را در طبیعت مورد توجه قرار می‌داد. سپس به تدریج زیبایی‌شناسی به‌منزلهٔ علم مطالعهٔ هنر و زیبایی‌های هنری قلمداد شد. به دلیل اینکه





مسئله زیبایی‌شناسی با درک حسی سروکار دارد، بنابراین زیبایی‌شناسی در هنر به معنای بررسی و درک صورت آثار هنری است که عمدتاً به فرم و ساختار آن مربوط می‌شود. معمولاً دو گروه مباحث زیبایی‌شناسی را دنبال می‌کنند « اهل فلسفه » و « اهل هنر ». اهل فلسفه معمولاً در زمینه شناخت و تفسیر زیبایی و هنر فعالیت می‌کنند و اهل هنر زیبایی را در آثار هنری جست‌وجو می‌کنند.

زیبایی‌شناسی، در حیطه فلسفه، با پرسش‌های بنیادی درباره زیبایی و چیستی یا ماهیت آن سروکار دارد. برخی از این پرسش‌ها را در فعالیت آغازین این بخش دیدیم. با نگاه به این پرسش‌ها می‌توان دریافت که بحث از زیبایی به آن سادگی که به نظر می‌رسد نیست و دانش زیبایی‌شناسی برای پاسخ به همین پرسش‌ها پدید آمده است. تعریف زیبایی بسیار مشکل است، اما زیبایی‌شناسی چیزی است که ما در زندگی خود آن را بارها تجربه کرده‌ایم. وقتی ما با یک اثر هنری زیبا مواجه می‌شویم، در ابتدا با دیدن آن و اجزاء و عناصر ترکیب‌بندی شده آن، احساس سرزندگی، شادی، آرامش یا حتی سردی و اندوه می‌کنیم. این احساسات ما از چیزی ناشی می‌شود که به آن تجربه زیبایی‌شناسانه مخاطب گفته می‌شود. پس هر مخاطبی در مواجهه با آثار هنری واکنش‌های متفاوتی را نشان می‌دهد که ناشی از همین تجربیات زیبایی‌شناسانه اوست. اما موضوع زیبایی‌شناسی به همین جا ختم نمی‌شود و در مراحل بعدی مخاطب از طریق کشف ویژگی‌های ساختاری اثر هنری می‌تواند به معناکاو و تفسیر اثر هنری بپردازد.



## فعالیت ۶

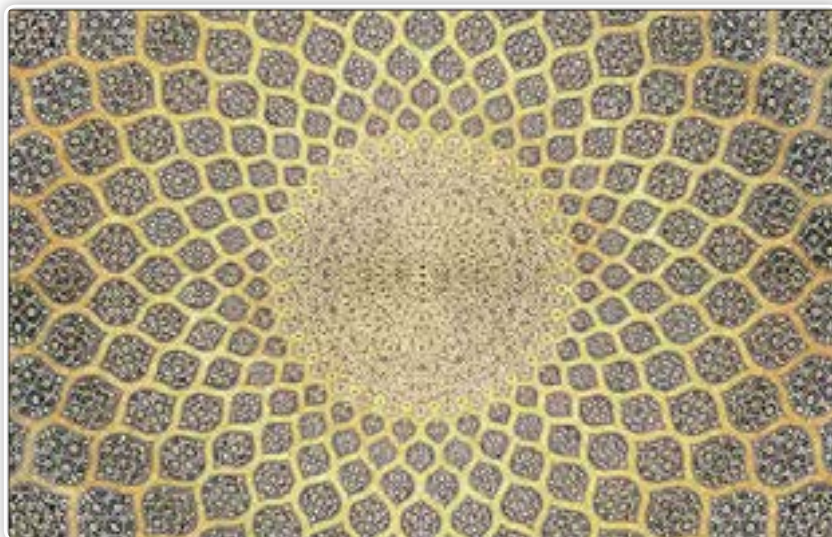
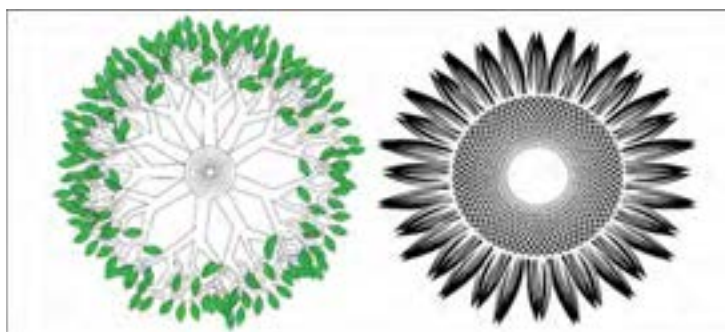
از میان آثار هنری که در سال‌های گذشته خلق کرده‌اید یک اثر را انتخاب کنید و همراه خود به کلاس بیاورید. در گروه‌های کاری، با همکلاسی‌های خود درباره آثار صحبت کنید. آیا اثر شما از نظر دیگران هم زیباست؟ آثار دیگران چطور، از نظر شما زیباست؟ کدام یک از آثار از نظر بیشتر افراد زیباست؟ سعی کنید دلایل زیبایی آثار مختلف را با کمک یکدیگر بیان کنید. آیا هریک از شما برای بیان نظر خود دلایل متفاوتی را بیان می‌کنید؟ به نظر شما چرا دلایل هریک از شما با یکدیگر متفاوت است؟ این تفاوت در دیدگاه‌ها ناشی از چیست؟ آیا مواردی وجود دارد که همه شما درباره آن هم‌عقیده باشید؟ آیا می‌توانید دلایل اشتراک نظر خود را درباره زیبایی بیان کنید؟





## فعالیت ۷

به شکل‌های زیر توجه کنید، چه می‌بینید؟ ابتدا سعی کنید از تصاویری که می‌بینید توصیفی ارائه دهید. آیا می‌توانید میان این تصاویر ارتباطی پیدا کنید؟  
 - چه ارتباطی بین این شکل‌ها وجود دارد؟ در گروه‌های کاری درباره مفاهیمی که از آنها برداشت کرده‌اید صحبت کنید.  
 - به نظر شما آیا تکرار این فرم در پدیده‌های طبیعی، می‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد؟



▲ شکل ۷-۱) نمای داخلی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله



حقیقت زیبایی انسان مرتبط به روح اوست، چراکه خداوند در آفرینش انسان، از روح خود در آدمی دمیده است. بر همین اساس، ما به زیبایی واکنش نشان می‌دهیم، چون دارای روح هستیم. رفتارهای زیبا و اخلاقی از سوی ذهن آدمی قابل ادراک است و انسان‌ها از هر قوم و فرهنگی برای آن ارزش قائل‌اند. هرچه ارتباط انسان با روح قدسی خویش قوی‌تر باشد، رفتارهای او زیباتر و اخلاقی‌تر می‌شود. در تفکر سنتی، زیبایی و هنر با هم در ارتباط‌اند. این تفکر هنر را مجموعه دستاوردهای زیبایی می‌داند که انسان آن را می‌سازد. اما واقعیت این است که لفظ هنر در طول تاریخ، تعاریف مختلفی داشته است. در دوران معاصر برخی اعتقاد دارند که هنر لزوماً نیازی به زیبایی ندارد و بیشتر چیزی است برای فهمیدن و درک شدن. در عرصه هنر مدرن، برای روشن ساختن معنای هنر، گاهی فرم در اولویت قرار داشته است و گاهی ایده‌هایی که در قالب هنر ارائه می‌شوند ملاک تعیین جایگاه هنر بوده است.

در هنر اسلامی، به جای واژه زیبایی از اصطلاح «حُسن» و «نیکویی» استفاده می‌شود. بنابر آیات شریف قرآن، یوسف نه صرفاً به دلیل زیبایی صورت، بلکه به دلیل نیکویی‌اش دوست‌داشتنی بود. آنجا که زنان مصر پس از مشاهده او دست خود را می‌برند، قرآن این واقعه را چنین نقل می‌کند: «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» (یوسف / ۳۱). آیه اشاره دارد به اینکه زنان او را بزرگ یافتند و سوگند خوردند که او بشر نیست، بلکه فرشته‌ای کریم است. در مواجهه یوسف و زلیخا نیز قرآن یوسف را از جانب رب دارای جایگاهی نیکو می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّهُ رَجَىٰ أَحْسَنَ مَثْوًى» (یوسف / ۲۳).

هنر در دیدگاه اسلام، عبارت است از تصویر و تجسم اشیا و پدیده‌ها مطابق طبیعت و ذاتشان. چون نقطه کمال زیبایی نزدیک شدن به آن کمال زیبایی‌آفرینی است که پروردگار دارد و هنرمند آن را به اشکال مختلف نمایان می‌کند. بر این اساس، دلیل اصلی آفرینش هنرمند نیز ایجاد فضایی است که بشر با بهره‌گیری از آن به شناخت شأن ازلی خویش نائل آید. به همین دلیل هنر والا همه اضطراب‌های دنیایی را از میان برمی‌دارد و نظم و صفا و آرامش را جایگزین آن می‌کند. اگر بخواهیم از کاربرد هنری زیبایی یا حُسن سخن بگوییم، می‌توانیم از داشتن اندازه معین، نظم، و تناسب به‌منزله شروط زیبایی یاد کنیم که حکمای شرق و غرب از دیرباز براساس آنها زیبایی را تعریف کرده‌اند. این ویژگی‌ها در هنرهای تجسمی، آوایی، معماری، صنایع‌دستی و سایر مظاهر به‌خوبی نمایان است. علاوه بر این صورت‌های هنری، حضور حُسن را می‌توان در ادبیات نیز جست‌وجو کرد. حُسن در ادبیات فارسی و همچنین فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای دارد. قرآن داستان یوسف پیامبر را، که در فرهنگ یهود نیز نقل شده است و از داستان‌های کهن جهان به شمار می‌رود، احسن القصص می‌نامد. این زیبایی، که قرآن به آن تصریح دارد، هم به حضور حسن در این داستان برمی‌گردد که در وجود یوسف متبلور شده و هم از طریق تحلیل و بررسی در بافت داستان و عناصر زیباشناختی، روان‌شناختی، و عاطفی حاضر در آن قابل دریافت است. در فرهنگ‌های دینی و در اغلب دین‌ها و آئین‌ها، به‌ویژه در قاموس دین اسلام، زیبا نامی از نام‌های نیکوی خداوند است. چنانکه رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ (خداوند متعال زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد و دوست دارد اثر این نعمتش را بر بنده‌اش





ببیند). بنابراین در فرهنگ اسلامی، زیبایی دارای معانی معنوی و معرفتی است. در این چارچوب فکری، اعتقاد بر این است که زیبایی و هنر موهبت‌های خدادادی‌اند و نیز اعتقاد بر این است که آفریدن چیزهای زیبا عبادت است. بنابراین زیبایی در قاموس تفکرات اسلامی جنبهٔ باطنی، معنوی و عرفانی به خود می‌گیرد و با آنچه در سنت هنری غرب مطرح است تفاوت‌هایی دارد. در واقع زیبایی در فرهنگ اسلامی با اصطلاحات خاص خودش قابل تعریف است که بیشتر جنبهٔ انتزاعی و باطنی دارند تا ظاهری. برای همین ما در اینجا به کلیدی‌ترین اصطلاحاتی که مترادف زیبایی و زیبایی‌شناسی در فرهنگ اسلامی است اشاره می‌کنیم، یعنی حُسن و جمال الهی:

**حُسن:** مهم‌ترین واژه‌ای که با زیبایی مترادف است حُسن خوانده می‌شود. درواقع برای استفاده از لفظ زیبایی در هنر، در فرهنگ و تفکر اسلامی، عمدتاً حُسن را به‌جای زیبایی استفاده می‌کنند. در تفکر اسلامی، زیبایی معنای وجودی دارد یعنی همه موجودات زیبا هستند و عالم مظهر خداوند است و زیبایی امری ذهنی تلقی نمی‌شود و در نتیجه زیبایی تحقق خارجی پیدا می‌کند. ارتباط این روش بررسی معنی زیبایی در اسلام، با هنر دور است؛ زیرا در حکمت اسلامی و شرقی زیبایی در هنرها مورد بحث نیست، بلکه معطوف به کل موجودات است. به همین دلیل سخن گفتن از حُسن موجودات، درواقع سخن گفتن در باب حُسن خداوند متعال است.

**جمال الهی:** از مهم‌ترین ویژگی‌های عرفان اسلامی، دعوت انسان به‌سوی خدایی است که در کمال زیبایی و جمال است. در عالم عرفان، در شناخت و عبادت خداوند همواره بر زیبایی و جمال او تأکید می‌شود.







### فعالیت ۸

به گروه‌های سه تا پنج نفری تقسیم شوید و هریک تعریفی را در یک جمله برای «هنر»، بدون مشورت و به صورت محرمانه، روی کاغذ یادداشت کنید. پس از آنکه همه اعضا تعریف خود را تکمیل کردند، آنها را قرائت کنید و نقاط اشتراک و تفاوت‌های آنها را به بحث بگذارید.

در دوران معاصر هنر را به سه روش کلی تعریف کرده‌اند. اولین روش به فرم یا همان شکل تأکید می‌کند و هنر را چیزی به جز شکل‌ها و فرم‌های زیبا نمی‌بیند. فرم ویژگی ذاتی یک اثر هنری خوب است. فرم یعنی ترکیبی از خطوط و رنگ‌ها به شیوه‌ای مشخص که باعث بیدار شدن احساسات زیبایی‌شناسانه در مخاطب می‌شود. در واقع مهم‌ترین نکته قابل توجه در این دیدگاه، برجسته کردن فرم در اثر هنری است که در حقیقت عامل اصلی زیبایی در هنر است.

روش و دیدگاه دوم، هنر را به صورت مقوله‌ای غیرمادی تعریف می‌کند. یعنی اثر هنری ایده و احساس درون ذهن یک هنرمند است. در این دیدگاه و تعریف، هنر که همان ایده و احساس درونی و ذهنی هنرمند است با خلاقیت و قوه خیال هنرمند شکل مادی به خودش می‌گیرد و خود را در قالب یکی از انواع هنرها بروز می‌دهد. براساس این دیدگاه، هدف اثر هنری سرگرم کردن نیست و مادی بودن آن هم در اولویت دوم قرار دارد، چرا که هنر همان ایده ذهنی و باطنی درون هنرمند است.

روش یا دیدگاه سوم، تلاش می‌کند چیزهای مختلفی را که انسان به نوعی در خلق آنها نقش داشته است هنر تلقی کند. در این تعریف از هنر، شرایطی در جامعه و توسط انسان‌ها دست به هم می‌دهد تا اشیای مختلف یا چیزهایی را که دور انداخته شده‌اند با دخل و تصرف و قراردادن آنها در فضاهایی مثل موزه به هنر تبدیل کند. مثلاً ممکن است یک تکه چوب و یا یک آجر صرفاً با درج یک امضا روی آن و قرار گرفتنش در موزه، هنر قلمداد شود. در این نگرش، مرز بین هنر و غیر هنر یا آن چیزی که هنر نیست، مخدوش می‌شود. همچنین معنی واقعی زیبایی هم کم‌رنگ می‌شود. اما در هر صورت هنر، که برای آن از واژه انگلیسی آرت استفاده می‌شود، یک پدیده مدرن است و از زمان شکل‌گیری معنی خاص هنر، که آن را از سایر دستاوردهای بشری مجزا می‌کند، ما با لفظ آرت سروکار داریم.





در کشور ما، واژه «هنر» کلمه‌ای قدیمی نیست و در منابع کهن، برای این معنا، از اصطلاح «صناعت» استفاده می‌کردند. حکیمان ایرانی صنعت را عنصری بسیار مهم در زندگی سعادت‌مند انسانی به شمار می‌آورده‌اند. فارابی صنعت را مرتبط به «عقل عملی» می‌داند؛ یعنی یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باعث تفاوت میان انسان و حیوان می‌شود. از نظر او، عقل، منشأ فکر و واسطه فراگیری صناعات و علوم و تشخیص خوبی و بدی است. فارابی معتقد است چهار چیز سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین می‌کند: فضایل انسانی، فضایل فکری، فضایل خلقی و صناعات عملی. برای انسان ژرف‌نگر ادراک عمیق زیبایی‌های اثر هنری موجب نیل به کمال انسانی می‌شود. پس در زبان فارسی نیز، هنر به معنای فضیلت، جوانمردی، نیکویی، تقوا و دادگری است.



### تقسیم‌بندی هنرها

هنرها را با شیوه‌های مختلفی می‌توان تقسیم و طبقه‌بندی کرد. برای مثال براساس مخاطب آثار هنری می‌توان هنرها را به دو دسته طبقه‌بندی کرد: هنرهایی که توده‌های مردم به آنها توجه می‌کنند و اصطلاحاً به آنها هنرهای مردم‌پسند گفته می‌شود و هنرهایی که اقشار خاص به آنها توجه می‌کنند و به هنرهای کلاسیک معروف است. هنرها را می‌توان براساس حواس بشری که آنها را ادراک می‌کنند دسته‌بندی کرد، مثلاً هنرهای دیداری، هنرهای شنیداری، هنرهای دیداری - شنیداری. هنرها را می‌توان براساس نقش آنها در زندگی انسانی تقسیم کرد، مانند هنرهای تزئینی و هنرهای کاربردی. شیوه دیگر طبقه‌بندی آن است که هنرها را براساس دوره‌های تاریخی طبقه‌بندی کرد. برای مثال هنرهای دوران پیش از اسلام، هنرهای قرون اولیه اسلامی، ... و هنرهای معاصر. در یک شیوه دیگر تقسیم‌بندی می‌توان هنرها را براساس موضوع آنها طبقه‌بندی کرد؛ مثلاً هنر دفاع مقدس، هنر مذهبی، هنر اخلاق‌مدار و ... همان‌گونه که دیده می‌شود راه‌های بی‌شماری برای طبقه‌بندی هنرها وجود دارد. بنابر موضوع این کتاب، ما هنرها را در سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنیم. این سه طبقه با ساحت آفرینش و ادراک هنرها مرتبط است و عبارت است از هنرهای زمان‌مند، هنرهای مکان‌مند و هنرهای آمیخته (زمان‌مند - مکان‌مند).

هنرهای زمان‌مند عبارت‌اند از آن دسته از هنرها که عناصر سازنده آنها در طول زمان شکل می‌گیرند. برای درک این هنرها نیز بنابر طول زمانی اثر هنری، مخاطب باید خود را در بازه زمانی معین در اختیار دریافت آن اثر قرار دهد. مجموعه هنرهای صوتی شامل آواها، خطابه‌ها و موسیقی‌ها از جمله هنرهای زمان‌مند محسوب می‌شوند. آثار هنری این گروه همواره در نقطه‌ای خاص از زمان آغاز می‌شوند و در نقطه‌ای مشخص پایان می‌پذیرند و از این‌رو طول زمانی معینی دارند. فرایند دریافت مخاطب نیز در همین بازه زمانی صورت می‌گیرد، چه اثر به‌صورت زنده در حال اجرا باشد و چه به‌صورت بازپخش اثر ضبط‌شده از آن استفاده کند.





هنرهای مکان‌مند به مجموعه هنرهایی گفته می‌شود که عناصر شکل‌دهنده آنها در گستره مکانی دو بُعد (مانند طراحی، نقاشی و عکاسی) یا سه بُعد (مانند پیکرتراشی و معماری) خلق و ادراک می‌شود. بسیاری از هنرهای مکان‌مند را، به‌ویژه آن دسته که در سه بُعد شکل می‌گیرند، می‌توان هم از راه لمس و هم از طریق دیدن ادراک کرد. آثار مربوط به این گروه برخلاف آثار هنرهای زمان‌مند، جسمیت دارند و هریک اصطلاحاً یک «ابژه» برشمرده می‌شود.

هنرهای آمیخته (زمان‌مند- مکان‌مند) عبارت‌اند از آن دسته از هنرها که هم‌زمان از دو مؤلفه زمانی و مکانی در فرایند خلق و ادراک خود بهره‌مند می‌شوند. یعنی اولاً به یک فضای دوبعدی (مانند پرده سینما) یا سه‌بعدی (مانند صحنه تئاتر) نیازمندند و ثانیاً به دلیل به نمایش گذاشتن حرکت، برای آفرینش و ارائه، به بستر زمانی معین نیاز دارند. اگر هریک از دو مؤلفه زمانی یا مکانی را از این دسته هنرها بگیریم آن هنر نابود می‌شود. مثلاً در نمایش یک فیلم اگر ابعاد طول و عرض پرده نمایش به صفر برسد، اثر سینمایی به یک اثر رادیویی تبدیل می‌شود؛ و اگر طول زمان اجرا را به صفر برسانیم، تصویر روی پرده منجمد می‌شود و اثر سینمایی به یک قاب عکس تبدیل می‌شود.





## فعالیت ۹

به سه تصویر زیر نگاه کنید.

– موضوع هر سه تصویر چیست؟

– در مورد هریک از موارد زیر صحبت کنید:

جنس، رنگ، شکل، ابعاد، نوع خطوط و میزان تفاوت یا نزدیکی اثر با طبیعت یا موارد دیگری که به شکل ظاهری اثر مربوط می شود و ممکن است شما تشخیص دهید.

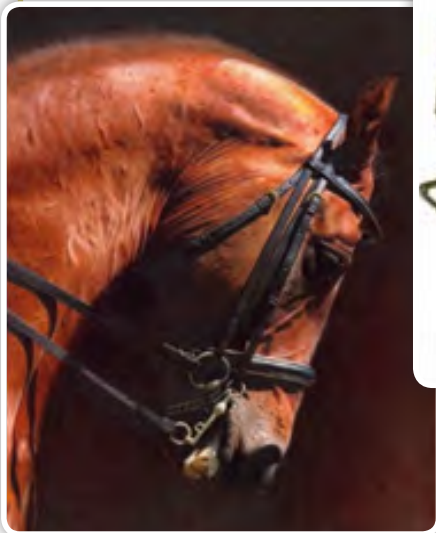
– در مورد محتوای هر اثر صحبت کنید (محتوا شامل درون مایه اصلی اثر است که به مخاطب انتقال می دهد).

اکنون به سؤالات زیر پاسخ دهید:

– برای یک متن علمی کدام اثر را انتخاب می کنید؟

– برای ورودی یک پیست اسب دوانی کدام اثر و برای جلد یک کتاب کدام اثر را انتخاب می کنید؟

– اگر تصویر دوم را برای جلد یک کتاب انتخاب کنید، فکر می کنید نام و موضوع آن کتاب چه باشد تا با حسی که از این تصویر ناشی می شود ارتباط داشته باشد؟ اگر می توانید توضیح دهید.





هر اثر هنری شامل سه عنصر اصلی است: موضوع، محتوا و فرم (شکل)

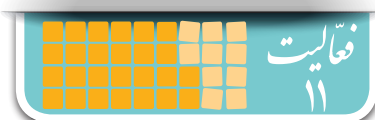
**موضوع:** یکی از اجزا و مفاهیم پایه‌ای هنر است و تا زمانی که موضوعی در کار نباشد، اثر هنری نمی‌تواند نشان‌دهنده چیزی باشد و شکل نخواهد گرفت. براساس روال رایج در دنیای هنر، موضوع هنر ممکن است انسان، شیء یا یک ایده باشد. البته باید مراقب باشیم که معنی موضوع با معنی فرم، که در بخش بعدی آن را توضیح خواهیم داد، اشتباه نشود؛ چرا که فرم در خدمت بیان موضوع است. براساس انتظار ما، ممکن است نشان‌دادن انسان و شیء در اثر هنری واضح باشد، اما نشان‌دادن یک فکر یا ایده چنین نیست. درواقع موضوع، نقطه آغاز شکل‌گیری اثر هنری است و آنچه در باب موضوع بسیار روشن است، شباهت اثر هنری به چیزی در بیرون از جهان اثر هنری است. هنرمند با نگاه کردن به پیرامون خود می‌تواند چیزهای مختلفی را مانند مظاهر طبیعت، اشیاء و انسان‌ها به منزله موضوع انتخاب کند. بنابراین در اینجا هنرمند باید همواره با بهره‌گیری از محیط پیرامون خودش و مظاهر طبیعت به صورتی خلاقانه آنها را در قالب یک اثر هنری نشان دهد. مسئله موضوع مربوط به انواع شاخه‌های هنری است. مثلاً در موسیقی، صدای پرندگان، رعدوبرق و حتی صدای جاری بودن آب را می‌توان در برخی از آثار موسیقی‌دانان شنید. اگرچه در هنرهای تجسمی به‌خصوص نقاشی، موضوع برجسته‌تر و نمایان‌تر از سایر گونه‌های هنری قابل‌مشاهده است، در تئاترها و فیلم‌های سینمایی که واقع‌گرایانه‌اند نیز موضوع را می‌توان مشاهده کرد. بنابراین تمامی آثار هنری دارای موضوعاتی‌اند که میزان نسبت آنها با دنیای واقعی لزوماً یکسان نیست. باید توجه کنیم که در آثار هنری موسوم به انتزاعی (یعنی آثاری که واقع‌گرایانه نیستند) گاهی موضوع با دخالت‌های خلاقانه هنرمند از سر و شکل واقعی و طبیعی خودش فاصله می‌گیرد و با فرم‌های مختلفی به نمایش درمی‌آید. مثلاً یک اثر سینمایی با موضوع دفاع مقدس ممکن است به شکلی مستندگونه و یا به شکل انیمیشن طراحی و ارائه شود. در این صورت موضوع در هر دو اثر یکسان اما شکل و محتوا متفاوت است.



با راهنمایی معلم خود، نمونه‌های مختلفی از آثار هنری مختلف را ببینید و سپس به توصیف موضوع آنها بپردازید. در خلال توصیف موضوع اثر هنری، تلاش کنید رابطه بین اثر هنری و موضوع آن را مقایسه کنید و سپس به دسته‌بندی موضوعات مختلفی که مشاهده می‌کنید بپردازید.



**محتوا** هر اثر هنری دارای پیامی است. این پیام ممکن است عاطفی، اجتماعی یا دینی باشد. منظور ما از محتوای اثر هنری در حقیقت همان پیام یا معنایی است که اثر هنری آن را ارائه می‌دهد. اگر بپذیریم فرم اثر هنری به چگونه گفتن یا چگونه نشان‌دادن مربوط است، محتوا به چرا گفتن یا با چرایی مرتبط است. محتوا گاهی احساسات و عواطف هنرمند را نشان می‌دهد و از سویی به معنای هدف نهایی اثر هنری است. البته باید در نظر داشت که گاهی قرار نیست هنرمند مستقیماً پیام یا معنای مشخصی را به مخاطب عرضه کند؛ بلکه نقش مخاطب اثر هنری و برداشت‌های او از معنای هنر است که اجازه تحلیل و درک محتوا را فراهم می‌سازد. در حقیقت هنر و شاخه‌های مختلف هنری هریک به روش خاص خودشان درصدد ارائه و آفرینش محتوا هستند و همان‌طور که خواهیم دید، برای ارائه محتوا در اثر هنری، هنرمند نیازمند فرم است تا بتواند از طریق آن معنا و محتوای موردنظرش را به نمایش و اجرا دریاورد.



در این بخش تلاش کنید آثاری را که در بخش قبلی یعنی موضوع، مورد بررسی قرار داده‌اید از نظر محتوا و پیام تحلیل کنید. به عبارتی پیام یا پیام‌هایی را که هنرمند از طریق کارش ارائه داده است توصیف کنید.

**فرم** ازجمله کلیدی‌ترین مفاهیم بنیادی هنر است و گاهی آن‌قدر برای ما عادی و بدیهی به نظر می‌رسد که مانند مقولاتی چون زمان، فضا و مکان قابل‌درک و تعریف است. اما واقعیت این است که در جهان هنر، فرم لزوماً همان معنی بدیهی و آشنایی را که ممکن است عموم مردم به‌عنوان شکل هرچیزی تلقی کنند، نداشته باشد. زیرا هریک از شاخه‌های هنری برای بیان محتوا و نشان‌دادن موضوعشان با فرم‌های مناسب و متفاوتی سروکار دارند. برای مثال معنی فرم در موسیقی با معنی فرم در نقاشی متفاوت است. به‌طور کلی در طول تاریخ هنر و از زمان شکل‌گیری آن، فرم همواره به روش‌های مختلف مورد توجه هنرمندان و حتی پژوهشگران هنری بوده است. چراکه هنر بدون فرم و محتوا نمی‌تواند موجودیت داشته باشد و به همین دلیل است که باید بدانیم رابطه تنگاتنگ و مستقیمی بین موضوع، فرم و محتوا وجود دارد.







اما به‌راستی فرم چیست؟ به‌صورت خیلی ساده می‌توان گفت فرم در جهان هنر سه تعریف کلی دارد. (۱) به معنی خطوط دور یک شکل است؛ مانند شکل یک مجسمه و حتی ژست‌های مختلف. در این معنا، همهٔ اشیای پیرامون ما فرم دارند و می‌توان خطوط دور آنها را به‌صورت‌های مختلفی مشاهده کرد. (۲) به معنی ترکیب، نظم و آرایش بین اجزا و عناصر تشکیل‌دهندهٔ اثر هنری است؛ برای مثال ترکیب عناصر در هنرهای تجسمی مانند نقطه، خط، رنگ، بافت و نور. می‌توان گفت در این تعریف، فرم با ساختار اثر هنری هم‌معنی است. (۳) گاهی اوقات به معنی سبک اثر هنری تلقی می‌شود، مثلاً همان‌گونه که بین یک نقاشی واقع‌گرا و نقاشی فراواقع‌گرا (سورئالیستی) تفاوت وجود دارد.



با راهنمایی معلمتان، سعی کنید با نگاه کردن به پیرامون خود یا انتخاب اشیای مختلف، فرم آنها را روی کاغذ رسم کنید. همچنین چند تصویر از آثار نقاشی انتخاب کنید و سعی کنید فرم‌های هندسی مورد استفاده در آن را استخراج کنید. مثلاً ممکن است تصویر یک کوه شبیه مثلث باشد یا تصویر یک حوض شبیه دایره به نظر برسد.



به سه اثر نگارگری زیر در مکتب‌های هرات، اصفهان و تبریز نگاه کنید و سعی کنید تفاوت‌های شیوه کار هنرمندان را در هریک از مکاتب توصیف کنید.



غازان نیشابور را  
تصرف می‌کند،  
نگاره‌ای از کتاب  
جامع‌التواریخ در  
مکتب تبریز اول



شاهزاده محمد بیک گرچی، اثر رضا عباسی  
از پیشگامان مکتب اصفهان



ساختن قصر خورنق،  
اثر استاد کمال‌الدین  
بهزاد از پیشگامان  
مکتب هرات





سبک از جمله مفاهیم و اصطلاحات بسیار رایج در عرصه هنر است که تقریباً همه کسانی که به نوعی در حوزه هنر فعالیت می کنند با آن آشنا هستند و بارها آن را شنیده اند. انتخاب و قراردادن دو اصطلاح کلیدی سبک و مکتب در کنار همدیگر، در قدم اول برای برطرف کردن یک اشتباه رایج و همچنین تعریف دقیق این مفاهیم بنیادی هنر است. آنچه عموماً به منزله سبک مطرح می شود به شیوه ها، قاعده ها و روش های مختلف تولید آثار هنری از سوی هنرمندان گفته می شود که گاهی به عنوان جریان ها یا جنبش های هنری هم مطرح است. اما باید گفت سبک به شیوه فردی و منحصر به فرد هر هنرمند در خلق اثر هنری گفته می شود. یعنی شناسنامه فردی هنرمند در چگونگی خلق و آفرینش اثر هنری که مختص به خود اوست. اما مکتب به معنای یک روش یا جریان کلی است که پیروانی دارد و براساس اصول و قواعد مشخصی شکل می گیرد و عده ای هم بر مبنای همان اصول مشترک و تعیین شده با روش خاص خود (یعنی سبک) اقدام به خلق آثار هنری می کنند. البته بسیار پیش می آید که هنرمندان از سبک یکدیگر تأثیر می پذیرند یا سبک خاص خود را براساس سبک سایر هنرمندان رقم می زنند. ولی بسیاری از هنرمندان برجسته و مشهور جهان سبک های ویژه خود را دارند که گاهی این سبک ها به تدریج به مکتب هم بدل شده اند. بر این اساس، تاریخ هنر از دیرباز با همین شکل گیری مکتب های مختلف به مسیر خود ادامه داده است و در این فرایند، هنرمندان مختلف سبک های متنوع و بی شماری را خلق کرده اند. سبک هر هنرمند به میزان خلاقیت او در نشان دادن موضوع و آفرینش اثری هنری بستگی دارد.

## فنایت انتخابی

به انتخاب خود و با راهنمایی معلم، چند تصویر از هنر عکاسی یا نقاشی انتخاب کنید که موضوع آنها طبیعت است. سپس با کنار هم قراردادن آنها توضیح دهید هر یک از آن تصاویر یا آثار چگونه طبیعت را در قالب نقاشی یا عکس نشان داده اند و روش هر هنرمند در پرداخت موضوع چه تفاوت ها و شباهت هایی با دیگری دارد.



## فعالیت های انتخابی پایان پودمان

- ۱- با مرور مطالب ارائه شده در پودمان، چند شیوه نوین برای تقسیم بندی انواع هنرها ارائه کنید.
- ۲- یک اثر هنری انتخاب کنید و در آن سه عنصر اصلی «موضوع»، «محتوا» و «فرم» را توصیف کنید.
- ۳- با استفاده از منابع کمک آموزشی، انواع مکاتب مختلف را در یکی از رشته های هنری مانند سینما، نقاشی و ... دسته بندی و ارائه کنید.

پودمان ۲

خلافت ہنری

تولید یک اثر هنری به مهارت‌های مختلفی همچون مهارت در استفاده از ابزار و وسایل و مواد مختلف، کاربرد تکنیک‌های مختلف، استفاده از رسانه‌ها و ... نیازمند است، اما پیش و بیش از آن لازم است هنرمند از احساسات و افکار خود مطلع باشد و دائماً آنها را واری کند. هنرمندان برای دستیابی به ایده اولیه همواره با مشکل روبه‌رو هستند. آنها برای حل این مسئله لازم است راه‌حل‌های جدیدی پیدا کنند و از خطر کردن هراسی نداشته باشند و پس از تولید کار هنری اولیه آن را مورد بازبینی و اصلاح قرار دهند. سپس باید آن را ارائه کنند و در معرض مشاهده و قضاوت دیگران قرار دهند، درباره آن تأمل کنند و آن را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند.

### در پایان این پودمان از شما انتظار می‌رود

- با استفاده از حواس پنج‌گانه، محیط پیرامون خود را مشاهده و دریافت‌های خود را در قالب آثار هنری مختلف بیان کنید.
- با پرورش قوه تخیل و با استفاده از آن، آثار هنری مختلف خلق کنید.
- با شناخت و استفاده از انواع منابع (بیرونی و درونی)، آفرینش هنری داشته باشید.



## سرچشمه‌های خلاقیت و آفرینش هنری



### فعالیت ۱

- با ابزار و مواد در دسترس یک کار هنری خلق کنید. آثار هنری خود و دوستانتان را در گروه‌های کاری بررسی کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:
- آیا در کار خود یا دوستانتان ایده‌ای نو و جدید مشاهده می‌کنید؟
  - ایده‌های جدید خود را از کجا گرفته‌اید؟
  - برای اجرای این ایده چه مراحل را طی کرده‌اید؟

### فعالیت ۲

- جملات زیر را به دقت بخوانید. سپس وجه مشترک این تعاریف را در گروه‌های خود به بحث بگذارید.
- خلاقیت توانایی ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها یا اشیای جدید است.
  - خلاقیت توانایی شخص در بازسازی مجدد تجربیات خود در زمینه‌های دیگر است به طوری که از لحاظ علمی، زیبایی‌شناسی، فناوری و اجتماعی با ارزش قلمداد شود.<sup>۱</sup>
  - خلاقیت به منزله ظرفیت دیدن روابط جدید، پدید آوردن اندیشه‌های غیرمعمول و فاصله گرفتن از الگوهای سنتی تفکر است.<sup>۲</sup>
  - خلاقیت شکل دادن تجربه‌ها در سازمان‌بندی‌های جدید است.<sup>۳</sup>
  - خلاقیت توانایی حل مسائلی است که فرد قبلاً حل آنها را نیاموخته است.<sup>۴</sup>
  - خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و هم حاصل الهام‌هایی برخاسته از ناخودآگاه انسان.

۱ - ورنون ۱۹۸۹

۲ - آرنولو

۳ - تاپلور ۱۹۸۸

۴ - مایر ۱۹۸۳ و وایزبرگ ۱۹۸۶





آفرینش بزرگ‌ترین آثار خلاقانه هنری همواره براساس ایده‌های ساده شکل گرفته است. ایده‌های خلاق می‌تواند سرچشمه بیرونی یا درونی داشته باشد. یعنی محرک اولیه می‌تواند پدیده‌ای در بیرون شخص باشد مانند داشتن نگاه خاص به محیط طبیعی یا مواجه شدن با رویدادهای زندگی روزمره یا حاصل خیالات و تصورات درونی هنرمند باشد. برخی از ایده‌ها می‌تواند نتیجه تلفیقی از سرچشمه‌های درونی و بیرونی باشند. آن دسته از هنرمندانی که با محرک‌های درونی به خلق اثر هنری می‌پردازند قادرند با رجوع به خیال‌انگیزی ذهن خود به آفرینش بپردازند. درحالی‌که گروه دیگر بیشتر تحت تأثیر محرک‌های بیرونی به خلق اثر هنری می‌پردازند. بنابراین می‌توان به‌طور کلی منابع الهام آفرینش آثار هنری را به دو دسته تقسیم کرد:

- سرچشمه‌های بیرونی آفرینش
- سرچشمه‌های درونی آفرینش

### سرچشمه‌های بیرونی آفرینش



#### فعالیت ۳

در قدیم رسم بر این بود که اگر یکی از سادات از کوچه یا خیابان می‌گذشت مخصوصاً هنگام صبح، مردم آن را به فال نیک می‌گرفتند و آن روز را خوش‌یمن می‌دانستند، از این‌رو برای احترام به آن سید، از حجره‌ها بیرون می‌آمدند و سلام می‌دادند. این کار در طول بازارچه با تکرار عبارت «سلام‌علیکم» ادامه می‌یافت و مرحوم سیدحسن کسایی نوازنده معروف نی از همین جمله کوتاه برای ساخت قطعه صبحگاهی استفاده کرد. سعی کنید شما هم با بهره‌گیری از آوای کلام یا صداهای طبیعت، نواهایی را خلق و آن را زمزمه کنید یا با آواز بخوانید.

ذهن پویا و خلاق انسان قادر است از ساده‌ترین پدیده‌ها و اتفاقات روزمره زندگی برای آفرینش آثار هنری بهره‌برداری کند. برای این امر کافی است فرد روحیه‌ای جست‌وجوگر داشته باشد و پدیده‌های پیرامون خود را به دقت مشاهده و آنها را ثبت کند. حضور در طبیعت مانند کوهستان، جنگل و چشمه‌ساران یا در محیط‌های پر ازدحام مانند مترو، رستوران یا محیط کار یا حضور در نمایشگاه‌های هنری یا مطالعه آثار نویسندگان مشهور، از جمله مواردی است که می‌توانند در ایده‌پردازی به هنرمند کمک کنند. زمانی که







هنرمند احساس می‌کند برای اولین جرقه‌های ایده‌پردازی نیازمند منابع بیرونی است، می‌تواند پا به کوچه و خیابان بگذارد یا در طبیعت قرار گیرد و با فعالانه نگاه کردن به رخدادها و صحنه‌های اطراف خود و تلفیق آنها با یکدیگر به ایده‌های اولیه دسترسی پیدا کند.

شیوه سخن‌گویی افراد، با فرازونشیب‌های صوتی مختلف و با لهجه‌های متفاوت می‌تواند تنوع وسیعی از جملات ملودیک را به ذهن شما متبادر کنند و صحنه‌هایی که شاهد آن هستید قادر است ایده‌های تصویرگری بی‌شماری به شما بدهد. در برخی از موارد خلق یک اثر نقاشی می‌تواند صرفاً به وسیله اتصال نقطه‌ها به یکدیگر باشد.

مناظر پیرامون نه تنها الهام‌بخش شکل‌گرافیکی است، بلکه ویژگی‌های دیگری را نیز برای استفاده در آفرینش اثر هنری به همراه دارد. این که آیا فضا خشن است یا نرم، از لحاظ ویژگی‌های سایه‌روشن‌ها، محیط چه خصوصیتی را القا می‌کند؟ آیا فضا گرفته و غمگین است یا پرنشاط و پرهیجان؟ آیا در محیط، نقاطی وجود دارد که بیشتر در مرکز توجه واقع می‌شوند؟ عناصر داخل محیط چگونه باهم ارتباط برقرار می‌کنند؟ و ده‌ها ویژگی دیگر که از محیط قابل دریافت است. اثر هنری شما می‌تواند توصیف‌هایی بی‌شمار از یک فضای خاص و محدود به دست بدهد. برای مثال یک آهنگساز موسیقی فیلم می‌تواند با اصوات پدیده‌های طبیعی مانند غرّش رعد، آواز پرندگان، پیچیدن صدای باد در جنگل و شالیزار یا محصول ارتعاشات صنعتی در زندگی روزمره مانند صدای حرکت قطار بر روی ریل، ماشین‌آلات صنعتی در کارخانه‌ها و... به آفرینش اثر هنری بپردازد.

## فعالیت ۴



به تصویر روبه‌رو، که با بهره‌گیری از برگ‌های یک گیاه، بسیار خلاقانه آفریده شده است، نگاه کنید. این طیف رنگ‌ها چه احساسی را در شما برمی‌انگیزد؟ به تنوع گیاهی منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید دقت کنید، آیا شما نیز می‌توانید تحت تأثیر این تنوع گیاهی به آفرینش هنری بپردازید؟



هنرمند برای آنکه بتواند دست به آفرینش بزند لازم است چشم، گوش و سایر حواس خود را به گونه‌ای تربیت کند که پدیده‌ها را به صورتی متفاوت ببیند. این استعداد در همه انسان‌ها هست، ولی لازم است با انجام تمرین‌های خاص آنها را در خود پرورش دهند. برای نمونه به استفاده از اعداد در متن نوشته زیر دقت کنید. به تدریج که شما جملات را از بالا به پایین می‌خوانید ذهن شما فرا می‌گیرد که چگونه به اعداد به شکل حروف نگاه کند.

ذهن انسان استعداد رشد دارد.

ذهن انسان قدرت شگفت‌انگیزی در ۱۰ طبق با شرایط جدید دارد.

کافی است ب ۵۵ (۰) خود ا جاز ۵۱ رشد دهیم آ (۰) گاه از قدرت آ (۰) شگفت‌زد ۵۵ ی شویم.

ذهن خود را از عادات آزاد کن.

گذشتگان (۰) توانستند پس، ۹-۱ (۰) یز ۹ ی توان (۰) یم.

حاضر ۹ ی توان (۰) ید ب ۵۵ ذهن خود افتخار کن.

▲ شکل ۱-۲) پرورش ذهن در پذیرفتن عناصر در نقش جدید؛ به کارگیری اعداد در نقش حروف (طراحی: محمدرضا آزاده‌فر)

خلق اثر هنری در یک رشته، تحت تأثیر آثار هنری رشته‌های دیگر نیز از جمله همین نوع محرک‌هاست. مثلاً با دیدن نقش یک قالیچه زیبا ممکن است طرح اولیه یک سناریوی نمایشی به ذهن‌تان برسد یا تحت تأثیر یک شعر، تابلویی زیبا خلق کنید.





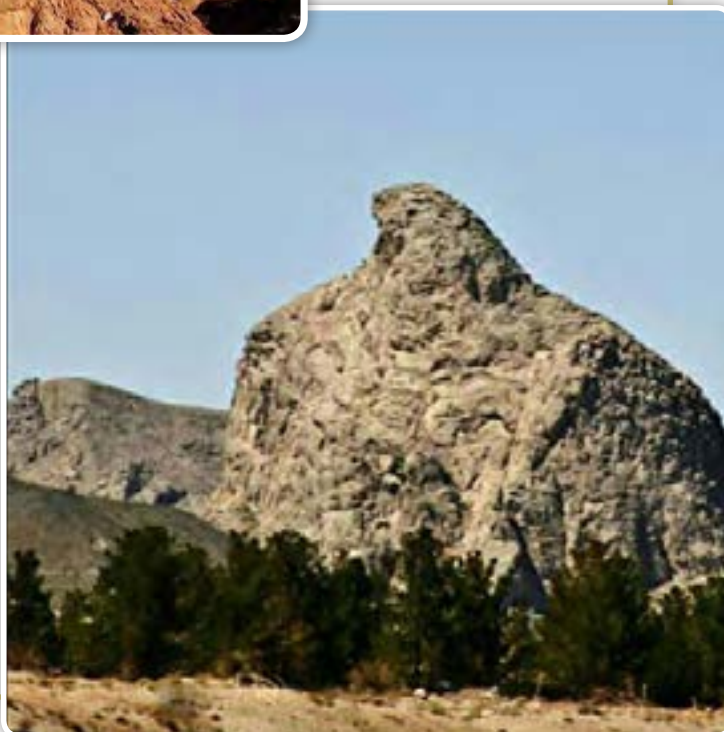


## فعالیت ۵

به این تصاویر دقت کنید: چه چیزی در آنها توجه شما را به خود جلب می‌کند؟ آیا می‌توانید با بهره‌گیری از این نمونه‌ها یا با استفاده از مشاهدات طبیعی خود، آفرینش خلّاقانه‌ای داشته باشید؟



شکل ۲-۲) همای سعادت در  
کوه سرخ از توابع خراسان  
رضوی



شکل ۲-۳) عقاب‌کوه در  
شهرستان تفت در استان یزد



## فعالیت ۶

با استفاده از قوه تخیل خود و بدون بهره‌برداری از عوامل محیطی، اثری هنری (نقاشی / کولاژ / نمایشنامه) خلق کنید. آثار هنری خود را در کلاس به نمایش بگذارید و در گروه‌های کاری به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- سهم خلاقیت ذهنی شما در آفرینش ایده‌های جدید تا چه اندازه بود؟
- برای اجرای ایده خود چه مراحل را طی کردید؟
- کار خود را با هم‌گروهی‌هایتان مقایسه کنید و درباره چگونگی شکل‌گیری ایده‌های خود صحبت کنید.
- تجربه خود در مورد شیوه‌ای که با مراجعه به خلاقیت درونی می‌توان اثر هنری خلق کرد را باهم به اشتراک بگذارید و تعیین کنید تا چه اندازه شیوه خلق اثر در این روش شخصی است.

یکی دیگر از عوامل الهام در خلق اثر هنری توجه هنرمند به درون خود است. سرچشمه‌های آفرینش در درون انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است که با تمرکز بر آن می‌توان آثار هنری بی‌مانندی خلق کرد. این قوه با پرورش تخیل ارتباط مستقیم دارد و قادر است خارج از دنیای مادی، جهان دیگری را بنا کند که در آن هر ناممکنی به ممکن بدل می‌شود. سرچشمه‌های درونی آفرینش کم‌وبیش درون همه انسان‌ها وجود دارد، لیکن در خواب زمستانی است. لازم است برای بیدار کردن این قوه تلاش کنیم تا بتوانیم از مزیت آفرینندگی آن بهره‌مند شویم. در زیر، برخی توصیه‌های ساده را برای بیدار کردن قوه خلاقیت درونی مرور می‌کنیم.

### فراهم آوری فضای لازم برای کار

تلویزیون و رادیو را خاموش کنید، از اینترنت خارج شوید، تلفن همراه خود را خاموش کنید و از اطرافیان خود بخواهید تا یکی دو ساعت شما را تنها بگذارند.





## تغذیه قوه خلاقیت درونی

هر روز چشم‌ها و سایر حواس خود را با آثار غنی هنری و پدیده‌های زیبای خلقت تغذیه کنید. بهتر است در این زمان، نگاه کردن و گوش کردن را با تمرکز انجام دهید. تفاوت اساسی نگاه کردن و گوش دادن به منظور تغذیه، در مقایسه با دیدن و شنیدن به صرف لذت، این است که برای لذت بردن می‌توان حتی در حین انجام کارهای روزمره نیز با آثار هنری تماس داشت، اما نگاه کردن و گوش کردن برای تغذیه و تحریک قوه خلاقیت به تمرکز نیاز دارد. برای بالابردن تمرکز لازم است اموری را که در فرایند نگاه کردن و گوش دادن مزاحمت ایجاد می‌کنند از پیرامون خود کم کنید. مثلاً اصوات مزاحم پیرامون را کم کنید و از مناسب بودن نور، اطمینان حاصل کنید. زمانی که اضطراب دارید تغذیه هنری به خوبی انجام نمی‌شود؛ بنابراین زمان‌هایی را که آرامش دارید برای این کار انتخاب کنید.

## قوه خلاقیت درونی به سکوت نیاز دارد.

در زمان خلق اثر هنری، قوای خلاقیت درونی به کمک هنرمند می‌آید و شما با چشم و گوش درون، آنچه قوه خلاقه درون نمایش می‌دهد می‌بینید؛ به همین سبب ضروری است در محیط شما تصاویر و صداهای مزاحم نباشد. قوه خلاقیت درونی بسیار خجالتی است و اگر اصوات یا تصاویر مزاحم پیرامون شما باشد، خود را پنهان می‌کند. سکوت و محیط آرام باعث می‌شود که او خود را نشان دهد.

## ضروری است مسیری را دنبال کنید که قوه خلاقیت درونی نشان می‌دهد.

قوه خلاقیت درونی همه کارها را نمی‌تواند انجام دهد، شما باید سهم خود را انجام دهید. هنگامی که این قوه نشانه‌ای هنری به شما می‌دهد، آن را جدی بگیرید و برای ادامه روند آن سعی کنید. برای مثال اگر نوایی در درون شما شکل گرفت سعی کنید آن را زمزمه کنید و ادامه آن را بسازید، یا اگر مصرع شعری به ذهنتان رسید سعی کنید آن را تکمیل کنید تا به شعری کامل مانند یک دوبیتی، قصیده، غزل یا قطعه تبدیل شود.





## روباهایی را ثبت کنید که خلاقیت در آنها نقش دارد.

هیچ وقت فکر نکنید بعداً همه چیز را به خاطر خواهید آورد. سعی کنید ایده های خود را به وسیله یک ضبط صوت کوچک یا دفترچه یادداشت ثبت کنید. حتی اگر یک ایده فوق العاده هم باشد، تصور نکنید هیچ گاه آن را از یاد نخواهید برد، این امکان وجود دارد که ساعاتی بعد به هیچ روی آن را به خاطر نیاورید. یک قلم و کاغذ یا یک ضبط صوت کوچک در کنار تخت خواب خود نگه دارید تا اگر در طول شب قوه خلاقیت شما فعال شد بتوانید محصولات آن را ثبت کنید. چند ثانیه اول پس از بیدار شدن از خواب، مهم ترین زمان برای یادآوری رؤیاهاست. خود را عادت دهید آنها را ثبت کنید حتی اگر در ابتدای کار به هیچ محصول هنری منجر نشود. اگر با یک احساس خلق هنری قوی از خواب برخاستید که با یک اثر معروف تشابه داشت آن را ثبت کنید. شاید قوه خلاقه شما قالب آن هنرمند را به عنوان عامل واسطه ای برای خلق به کار برده است.

## قوه خلاقیت به تناسب نیاز شما فعال تر می شود.

اگر شما در حال انجام یک فعالیت هنری باشید، امکان آنکه قوه خلاقیت شما فعال شود بیشتر است. این قوه در ضمیر ناخودآگاه شما زیست می کند و منتظر فرصتی است که بروز کند. اگر این توانایی برای شما حاصل شد که بتوانید آن را در مواقع ضرورت و تا حدودی ارادی احضار کنید، شما در سطح بالاتری از قوه آفرینش قرار گرفته اید. برای مثال شما باید در یک محدوده معین زمانی نمایشنامه ای با موضوع و شخصیت های از قبل تعیین شده ای بنویسید. چون ذهن بر روی نوشتن نمایشنامه تمرکز می کند و می خواهید آن را در زمان معینی بنویسید، ذهن شما آمادگی احضار قوه خلاقیت برای خلق روایت و شخصیت پردازی را پیدا می کند. اگر زمان و مکان آرام و معینی را برای کار خلاقه انتخاب کنید، قوه خلاقانه شما یاد می گیرد که هنگامی که شما در آن شرایط زمانی و مکانی معین قرار گرفتید بیشتر ظهور کند. مثلاً شما همیشه کار آفرینش هنری خود را در گوشه دنجی از حیاط انجام می دهید. به محض اینکه شما در آن مکان قرار بگیرید قوه خلاقه شما فعال می شود. سعدی و حافظ هر دو از گوشه های دنجی در باغ های شهر شیراز یاد می کنند که بسیاری از سروده های خود را در آنجا خلق کرده اند.

## خلاقیت عاملی غیر قابل پیش بینی است.

به رغم همه موارد طرح شده فوق، در نظر داشته باشید قوه خلاقیت عاملی قابل پیش بینی نیست؛ پدیده ای مرموز است که ممکن است هرگز در زمانی که انتظار آن را دارید بروز نکند یا به شکلی خود را نشان دهد که شما هرگز تصور آن را نمی کردید.





## فعالیت ۷

چشم‌هایتان را برای چند دقیقه ببندید و خود را در طبیعت تصور کنید. ویژگی‌های این محیط را به دقت تجسم کنید چه صداهایی می‌شنوید، چه رویدادهایی در اطراف شما اتفاق می‌افتد، چه احساسی دارید؟ با توجه به این موارد یک نقاشی بکشید یا یک قصه برای یک نمایش خلق کنید.

### فعالیت‌های انتخابی پایان پودمان

۱. به تصاویر زیر و تصویر صفحه بعد دقت کنید: چه چیزی در آنها توجه شما را به خود جلب می‌کند؟ آیا می‌توانید با بهره‌گیری از این نمونه‌ها یا با استفاده از مشاهدات طبیعی خود، نمونه‌های مشابهی پیدا کنید.



▲ شکل ۴-۲) کنار هم قرار گرفتن دو تخته چوب باعث ایجاد تصاویر مختلف با گره‌های چوب می‌شود.

▲ شکل ۵-۲) وجود سایه‌روشن روی مریخ به صورت اتفاقی تصاویری را ایجاد کرده است.



شکل ۶-۲) اشکال مختلفی که ابرها در آسمان به خود می‌گیرند، عاملی بسیار مؤثر در تحریک خیال‌انگیزی افراد به شمار می‌رود.

۲. با بهره‌گیری از آلبوم قدیمی پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود و عکس‌های قدیمی، گذشته‌های دور را در تخیل خود به تصویر بکشید. سپس بر اساس آن نمایشی کوتاه طراحی و آن را با کمک هم‌کلاسی‌های خود اجرا کنید.







۳. با استفاده از قدرت تخیل خود فضای دوران دفاع مقدس را مجسم کنید. تصور کنید رزمندگان قرار است در یک عملیات، منطقه‌ای را از دست دشمن بازپس گیرند. شخصیت‌های مختلف این عملیات را شخصیت‌پردازی کنید. می‌توانید احساس و تخیل خود را در قالب آثار هنری مختلف و با استفاده از رسانه‌های گوناگون بیان کنید. آثار هنری خود و دوستانتان را در گروه‌های کاری با هم مقایسه کنید.



۴. حیوانات پیرامون خود را شخصیت‌پردازی کنید و از زندگی روزمره آنها برای طراحی یک فیلم‌نامه استفاده کنید. سپس براساس فیلم‌نامه، تصویربرداری از آنها را به‌صورت روزانه شروع کنید و در پایان با تدوین آن، یک اثر کوتاه سینمایی بسازید.





پودمان ۳

تحلیل  
آثار هنری

تغییرات حاصل از پیشرفت‌های فناوری در زمینه تولید هنری مانند دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری دیجیتال، نرم‌افزارهای گرافیک، سه‌بعدی‌سازی، آهنگسازی و غیره در عین حال که مزایایی چون تولید با هزینه بسیار کمتر از دوران گذشته دارد، یک مشکل اساسی را در دنیای آفرینش هنری ایجاد کرده است و آن کم‌توجهی و پایین آمدن حساسیت در زمینه کیفیت زیبایی‌شناسی آثار است. در زمانی که هزینه نسبتاً زیادی برای تولید یک قطعه عکس اعم از نیاز به دوربین گران قیمت، تهیه مواد خام و سپس پرداخت هزینه برای ظهور و چاپ آن و منتظر ماندن فرایند مشخص شدن محصول خروجی از لابراتوار می‌شد، فرد کیفیت هنری کار خود را با حساسیت زیادی دنبال می‌کرد تا مبادا این همه هزینه و صرف وقت به محصول ضعیف بینجامد. البته این موضوع بدان معنا نیست که هنرمندانی که از این تکنولوژی بهره‌برداری می‌کنند تولیداتی با کیفیت پایین‌تر تولید می‌کنند، بلکه برعکس ارتقای فناوری باعث شده است کیفیت این آثار در نزد هنرمندان بالاتر رود. آنچه این مشکل را ایجاد کرده است ورود افراد غیرهنرمند به عرصه تولید هنر در گستره‌ای بسیار وسیع و تداخل کار آنان با هنرمندان مجرب است. این امر به دلیل سهل‌الوصول شدن فرایند تولید حاصل شده است.

علاوه بر این، در دست قرار گرفتن آسان و ارزان ابزار تولید هنری منجر به ورود خیل عظیمی از افراد غیرهنرمند به این عرصه شده است. این افراد با دسترسی به شبکه جهانی وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی محصولات خود را در سطح بسیار وسیعی به اشتراک می‌گذارند. در واقع امروزه در سرتاسر جهان روزانه میلیون‌ها اثر هنری بدون در نظر داشتن کیفیت زیبایی‌شناسی آنها توسط مردم دیده و شنیده می‌شود. این امر رفته‌رفته چشم‌ها و گوش‌ها را به آثار هنری با سطح کیفی پایین عادت داده است. اما باید در نظر داشت هرچقدر هم که ابزارهای الکترونیک و پیشرفت فناوری فرایند تولید را تسهیل کند، در آخر این هنرمند است که باید با خلاقیت و دیدگاه زیبایی‌شناختی خود، یک اثر ارزنده هنری را خلق کند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان فضا، صدا و حرکت را سه مؤلفه اصلی در شکل‌گیری هنرها دانست که هر یک به تنهایی یا به صورت ترکیبی شالوده اصلی شاخه‌های مختلف هنری را شکل می‌دهد. در معماری و هنرهای تجسمی، عناصر سازنده اثر با قرار گرفتن در نسبت‌های معینی از فضا نوعی از ترکیب‌بندی بصری را ایجاد می‌کنند که برای مخاطب قابلیت ادراک می‌یابد. در هنرهای صوتی، نقشی که مکان در هنرهای تجسمی بازی می‌کند به زمان واگذار می‌شود؛ یعنی عناصر صوتی با کشش‌های زمانی معینی با نسبت‌های مشخص در پی هم یا هم‌زمان قرار می‌گیرند و ترکیب صوتی را می‌سازند که برای شنونده قابلیت ادراک می‌یابد. هنگامی که دو مؤلفه مکان و زمان با هم در آمیخته شود، عناصر هنری امکان حرکت پیدا می‌کنند. حرکت ضمن آنکه در فضایی دوبعدی یا سه‌بعدی به وقوع می‌پیوندد مستلزم بازه زمانی معینی نیز هست که براساس آن حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر در زمانی معین صورت پذیرد.